* ج ـ مقنعه

شیخ مفید سرآمد متکلّمان و فقیهان عصر خویش بود و چنانچه پیشتر گفته شد پس از کلام، موضوع اکثر کتابهای وی فقه می باشد، در میان کتابها و رساله های فقهی وی، کتاب مقنعه با اشتمال بر یک دورۀ کامل فقه، مهمترین اثر فقهی وی بوده و بروشنی چهره فقهی مفید را می نمایاند، از این رو در این قسمت از مقال به بحث و بررسی این کتاب در ضمن عناوین زیر می پردازیم:

۱ـ گزارشی از کتاب مقنعه؛ ۲ـ مقنعه و آثار فقهی متقدّم؛ ۳ـ جایگاه مقنعه در میان متون فقهی موجود؛ ٤ـ مقنعه و تهذیب الأحکام؛ ٥ـ نکاتی درباره مقنعه.

گزارشی از کتاب مقنعه

شیخ مفید در پاسخ درخواست فردی که از وی با عنوان «السید الامیر الجلیل اطال اللّٰه فی عزّالدین والدنیا مدّته ...» یاد می کند، مختصری در احکام نوشته است، وی در آغاز، عقائدی را که اعتقاد به آنها بر تمامی مکلّفان واجب است به گونه کاملاً کوتاه و موجز ذکر کرده است.[۴۲]

با نگاهی اجمالی به این کتاب درمی یابیم که مقنعه بیشتر به مسائلی که در روایات طرح شده نظر داشته است، این کتاب با طرح کردن دعاها و

۴۲ـ مقنعه، ص ۲۷ـ۳۵.

زیارات و نمازهای مستحبی طولانی و بابی در تاریخ ولادت و وفات امامان(ع) و جز آن، از محدودهٔ یک اثر فقهی به معنای مصطلح کنونی خارج شده و با نقل فراوان روایات فقهی، چهرهٔ فقهی ـ حدیثی به خود گرفته است و بویژه با توجّه به عدم نقل پاره ای از روایات آن در مصادر حدیثی موجود به عنوان یک مصدر حدیثی تلقی می گردد.

این کتاب تنها یک متن فقهی که به ذکر فتاوی اختصاص داشته باشد نیست، بلکه در بسیاری از موارد با طرح آیات مربوطه ـ بویژه در آغاز ابواب ـ و یا روایات و اشاره به اجماع و اتّفاق به استدلال بر فتاوی پرداخته است، آیات نقل شده غالباً تفسیر شده اند. در نتیجه این کتاب را به عنوان اثری در فقه القرآن و فقه استدلالی نیز می توان مطرح نمود.

بدین ترتیب این کتاب دربرگیرنده موضوعات و مسائل مختلفی است که در آثار متأخّر نه در ضمن یک کتاب بلکه در کتابهایی چند مطرح می شود، آنچه گفته آمد نگاهی گذرا به مقنعه بود.

تفصیل بیشتر

حال با طرح مطالبی چند با شرح و تفصیل بیشتر و از دیدگاه نزدیکتری به این کتاب می نگریم:

۱ـ عبارات مقنعه هر چند بیشتر دربرگیرنده مسائل منصوصه است ولی الفاظ آن الزاماً عین الفاظ روایت نیست، بلکه در بسیاری موارد عبارات به انشاء خود مفید است.

۲ـ شیخ مفید در بسیاری از موارد به روشن نمودن مسائل طرح شده در

روایات می پردازد و به اجمال و ایجاز بسنده نمی کند، امری که گاه به تکرار می انجامد.

۳ـ گرایش به طرح مسائل به صورت جزئی در این کتاب مشاهده می گردد و از این رو به جای طرح مسائل به صورت کلی، احیاناً دو مسئله نزدیک به هم با عباراتی مشابه بیان می شود، مثلاً در باب نماز (ص۱۰۳ـ ۱۳۷) در مورد هر یک از نمازهای روزانه، آداب و سنن مشترک تکرار شده است.

۴ـ مفید در باب نماز و حج ابتدا به تفصیل به ذکر اعمال واجب و مستحبّ آنها ـ بدون جدا سازی هر یک از دیگری ـ می پردازد و سپس آداب واجب را از آداب مستحب جدا می کند، [۴۳] در این جا استقلال عبارتهای مفید از عبارات روایات بروشنی دیده می شود و در عین حال عدم تمایل مفید به موجز نویسی و اختصار گویی نیز مشهود است.

۵ـ مفید در مقنعه به هیچ وجه به نقل اقوال و اختلافات نمی پردازد، همگی عبارات به صورت فتاوی قاطع بوده و جز در موارد کاملاً استثنائی از احتیاط خبری نیست [۴۴] وی در این کتاب از هیچ فقیه امامی با ذکر اسم مطلبی نقل نمی کند تنها در باب حکم خمس در زمان غیبت ـ که مسئله غیرمنصوصه است ـ به نقل اقوال مختلف بدون ذکر قائل آنها پرداخته [۴۵] و نیز در باب جزیه به تفصیل به اختلاف اقوال فقهای عامّه اشاره کرده است. [۴۶] جز اینها در

۴۳ـ مقنعه، ص۱۰۳ـ۱۴۵ و ۳۹۶ـ۴۳۰ و ۴۳۱.

۴۴ـ بنگرید مقنعه، ص۲۴۷.

۴۵ـ مقنعه، ص۲۸۵.

۴۶ـ مقنعه، ص۲۷۰.

موارد اندک دیگر نیز با کلمه «قیل» و یا نقل روایت متعارض به احتمال دیگر اشاره نموده است.[۴۷]

۶ـ در کتاب طهارت بیشتر به ذکر فتاوی پرداخته و از ذکر آیات و روایات خودداری شده است، هر چند الفاظ فتوا در بیشتر موارد به الفاظ نصّ نزدیک است، ولی به صورت ذکر روایت نیست. کتاب صلات با ذکر آیات و روایات آغاز شده و این امر در کتابهای زکات و صیام و حج و کتاب انساب و زیارات ادامه یافته است، این ابواب از ذکر ادلّه و روایات مشحون است، ولی از باب نکاح تا پایان کتاب همچون کتاب طهارت روایت، کم نقل می شود.

ذکر دعاهای طولانی و نماز و اعمال مستحبّی دیگر و فراوانی روایات در بابهای نخستین، حجم این بابها را بسیار گسترش داده است. در نتیجه ابواب عبادات و ملحقات آنها دو سوم حجم مقنعه را در بر می گیرد. این حجم لااقل دو برابر حجم متعارف این بابها در سایر کتابها می باشد.

۷ـ مفید در پاره ای از فروع فقهی که در نگاه نخست عجیب به نظر می رسد با اشاره به ورود روایت خاص از امامان معصوم در این مورد، لزوم عمل به این احکام را گوشزد می کند.[۴۸]

۸ـ مفید گاه به بیان علت حکم چون مشقت و سختی و مخالفت با ملوک و لطف الهی و رحمت حضرت حق و مانند آن می پردازد[۴۹] که بیشتر برای تقریب ذهن است نه اشاره به مدرک حکم.

۴۷ـ به طور نمونه مقنعه، ص۱۵۲، ۴۳۱، ۴۴۲، ۶۸۷.

۴۸ـ مقنعه، ص۶۰، ۲۳۸، ۲۴۰، ۳۴۶، ۳۵۰، ۳۶۱، ۳۶۲، و غیر آنها.

۴۹ـ مقنعه، ص۷۰، ۳۵۷.

مفید گاه روایات متعارضه را ذکر کرده و با توجّه به عدم تناقض در کلام امامان بر لزوم جمع ما بین آنها تأکید می ورزد، مثلاً با توجه به روایاتی که زکات را تنها در نه چیز واجب می داند روایات دیگر را در مورد زکات در سایر حبوبات، حمل بر استحباب اکید می کند.[۵۰]

۹ـ مفید در باب اوقات نماز به تفصیل درباره علائم نجومی وقتهای نماز سخن می گوید[۵۱] که آشنایی وی را با این مسائل نشان می دهد، در باب اصناف اهل جزیه به طور مشروح به نقل اقوال فقهاء عامّه و استدلال در صحّت و سقم آنها و ذکر طوایف مختلف کافران چون یهود و نصاری و مجوس و صابئیان و مانویه و مزدکیه (=مزدقیه) و دیصانیه و مرقونیه و ماهانیه و کیثونیه و سمنیه و حکم فقهی آنها در مسئله جزیه پرداخته است و در مورد آراء اساسی برخی از آنها بویژه صابئیان توضیحاتی داده تا بتواند نظر فقهای عامه را در این مورد پاسخ دهد.[۵۲]

۱۰ـ در باب مواریث درباره فروع مختلف ارث و شیوه محاسبه و تقسیم میراث بحث شده است[۵۳] البته در کتاب میراث در بسیاری از کتابهای علمای سابق حتی در کتابهای حدیثی، فرعهای مفصّلی بجز فروع وارده در آیات و روایات طرح شده است، مثلاً در کافی از یونس بن عبدالرحمان و فضل بن شاذان مسائل بسیاری در این باب نقل شده است.[۵۴]

۵۰ـ به طور نمونه مقنعه، ص۲۴۴، ۲۴۸، ۲۶۹، ۲۷۷، ۳۵۲.

۵۱ـ مقنعه، ص۹۲.

۵۲ـ مقنعه، ص ۲۷۰ـ۲۷۲.

۵۳ـ مقنعه، ص۷۰۶ـ۷۱۸.

۵۴ـ کافی، ج۷، کتاب المواریث.

۱۱ـ مفید پس از شش باب از ابواب عبادات، بابهایی را به عنوان باب زیادات گشوده که در آن بیشتر به ذکر روایات و گاه مسائلی که در فصلهای قبل ذکر نشده پرداخته است، در پایان کتاب صیام دو باب زیادات دیده می شود،[۵۵] این ابواب می بایست از افزوده های مؤلف پس از تألیف کتاب بر آن باشد.

۱۲ـ مفید در اثبات حرمت ذبیحه های اهل کتاب و ازدواج با زنان ایشان بحث نموده است.[۵۶] این دو بحث کلامی که مفید را به تألیف دو کتاب مستقل نیز واداشته، گرایش کلامی مفید را در مقنعه نیز می نمایاند. این گرایش در مباحث دیگری از جمله جواز وصیّت به سود وارث[۵۷] نیز مشاهده می گردد.

برخی از نکات خاص مقنعه در بخش مستقلی در پایان این قسمت از مقال مطرح خواهند شد.

با عنایت به آنچه گذشت درمی یابیم که مقنعه بر خلاف آنچه گاه نوشته می شود تنها یک اثر فقه منصوص نیست که به روایات اختصاص داشته و با حذف اسناد آنها تنها به متون روایات اکتفا شده باشد، البته در بسیاری از مباحث بویژه در باب معاملات، الفاظ مقنعه به الفاظ روایات نزدیک است. از سوی دیگر مقنعه تمامی فرعهای ممکن را نیز در بر ندارد و مسائلی که در روایات نیامده در آن اندک است بنابراین، این کتاب فقه تفریعی نبوده بلکه در مجموع، فقه روایی به حساب می آید، از این رو عبارت شیخ طوسی در مقدمه مبسوط ـ که در آن کتب فقهی پیش از مبسوط را تنها در دایره

۵۵ـ مقنعه، ص۱۹۵، ۲۳۰، ۲۵۳، ۲۷۹، ۳۷۴، ۳۷۸، ۴۴۰.

۵۶ـ مقنعه، ص۵۸۰، ۵۸۱.

۵۷ـ مقنعه، ص۶۷۰.

فقه روایی و بر کنار از تفریعات می داند ـ تقریباً در مورد مقنعه نیز می تواند صادق باشد.

مقنعه و آثار فقهی متقدم

پیش از کتاب مقنعه کتابهای فقهی بسیاری به دست دانشمندان شهرهای مختلف و به سبک و سیاق گوناگون به رشته تحریر درآمده و پس از این کتاب نیز ادوار مختلفی بر فقه شیعه گذشت. گزارش گویا و پخته ای از تاریخ تحوّل و تکامل فقه شیعه توسّط جناب حجت الاسلام والمسلمین دکتر سیّد حسین مدرّسی طباطبائی در مقدّمه زمین در فقه اسلامی و کتابشناسی فقه شیعه ارائه شده که مراجعه بدان سودمند است.

متأسّفانه اکنون از بسیاری از آثار متقدّم بر مقنعه مفید خبری در دست نیست و تنها بندهایی از پاره ای از آنها در کتابهای دیگر بویژه کتب محقق و علاّمه و شهید اول به چشم می خورد، از این رو نمی توان مقایسه دقیق و همه جانبه ای میان مقنعه با آثار متقدّم صورت داد و اثرشان را در این کتاب ردیابی کرد، بدین ترتیب می بایست از آثار فقهی دوران حضور امامان و اکثر آثار فقهی عصر غیبت صغری درگذشت، هر چند شواهدی دلالت بر آن دارد که لااقل بیشتر این آثار به شیوه فقه روایی و در قالب کتاب حدیثی نگارش یافته بودند[۵۸] و بالطبیعه اثری فقهی به معنای کنونی به حساب نمی آمدند.

در این عصر و پس از آن فقیهانی صاحب نام می زیستند که کم و بیش

۵۸ـ ازجمله، این گفته ابوعلی طوسی که اولین کسی که اسناد را از متون روایات جدا ساخت علی بن بابویه بود (بحار، ج۱۰۷، ص۳۰).

آراء و انظارشان در کتابهای بعدی مطرح می گردد، مناسب می نماید که از برخی از آنان یاد شود و نحوه اتّصال مکتب فقهی شیخ مفید با آنها تبیین گردد، در ابتدا باید از شیخ جعفر بن محمّد بن قولویه (۳۶۹) نام برد که شیخ مفید در نزد وی فقه آموخته و مهمترین و شاید تنها استاد فقه وی باشد، در میان آثار وی نام چندین کتاب فقهی دیده می شود.[۵۹] که بسیاری از آنها را نجاشی در نزد مفید خوانده است، هیچ یک از این کتابها در دست نیست و در نتیجه نمی توان از محتوای آن گزارش داد.

ابن قولویه از فقیهان بزرگی چون کلینی (م۳۲۸ یا ۳۲۹)، علی بن بابویه (م۳۲۸ یا ۳۲۹)، محمّد بن حسن بن ولید (م۳۴۳)، ابن ابی عقیل، ابوالفضل محمّد بن احمد صابونی جعفی روایت می کند[۶۰] و در نتیجه می تواند واسطه اتّصال مفید با این دانشمندان باشد.

نظرات کلینی در کتاب کافی، و محمّد بن حسن بن ولید در کتاب جامع با نقل احادیث صورت می گرفته است و نقش این فقیهان تنها در گزینش روایات مورد فتوا و تنظیم و تبویب آنها می باشد.

علی بن بابویه نخستین شخصیّتی بود که با حذف اسناد روایات، متنی فقهی از متون روایات فراهم آورد،[۶۱] مطالب این کتاب با راه یافتن بندهایی از آن در آثار متأخّر چون مقنع و کتاب من لا یحضره الفقیه توانست تا حدودی

۵۹ـ رجال نجاشی، رقم ۳۱۸؛ فهرست شیخ، رقم ۱۳۰.

۶۰ـ رجال نجاشی، ارقام ۱۰۰، ۱۰۲۲، ۱۰۲۶؛ فهرست شیخ، ارقام ۵۹۱، ۸۷۷، ۸۸۶ و نیز به آثار مفید و کتاب کامل الزیارات، ابن قولویه مراجعه شود.

۶۱ـ بحارالأنوار، ج۱۰۷، ص۳۰.

باقی بماند. گرایش علی بن بابویه ظاهراً همسان گرایش پسرش شیخ صدوق بوده که در فصل بعدی از آن سخن خواهیم گفت، کتاب فقه الرضا نیز که ظاهراً همان کتاب تکلیف شلمغانی است[۶۲] به همین گرایش و مشابه اثر علی بن بابویه می باشد.

ابوالفضل صابونی فقیه بلند رتبه و پر اثر شیعی، صاحب کتاب فاخر و کتابهای بسیار دیگر در ابواب مختلف فقه در مصر ساکن بوده و ابن قولویه برخی از کتابهایش را از وی روایت می کند، هیچ یک از نجاشی و شیخ در ذکر طرق خود به وی از شیخ مفید نام نبرده اند[۶۳] و اصلاً معلوم نیست که کتابهای وی به حوزه بغداد رسیده باشد.

در این طبقه حسن بن علی بن ابی عقیل عمانی فقیه متکلّم نامدار با تألیف کتاب مشهور المتمسّک بحبل آل الرسول مهمترین جایگاه فقاهتی را به خود اختصاص داد،[۶۴] بندهایی از این کتاب که در کتابهای بعدی بویژه مختلف علامّه نقل شده، نشانگر استقلال اندیشه و قدرت فقهی وی می باشد. اثر فقهی وی شاید نخستین کتاب فقه به شیوه ای غیر از فقه روایی باشد. به گفته نجاشی شیخ مفید وی را بسیار می ستوده است. نجاشی کتاب کرّ و فرّ ابن ابی عقیل را که در امامت بوده در نزد مفید خوانده آن را به ملاحت وصف می کند، بدرستی معلوم نیست که ستایش مفید از ابن ابی عقیل از شخصیّت کلامی وی بوده یا از شخصیّت فقهی او، همچنین معلوم نیست که کتاب

۶۲- ببینید رساله فصل القضاء فی الکتاب المسمی بفقه الرضا.

۶۳- رجال نجاشی، رقم ۱۰۲۲؛ فهرست شیخ، رقم ۸۷۷.

۶۴- رجال نجاشی، رقم ۱۰۰؛ فهرست شیخ، رقم ۱۹۳، ۸۸۶.

المتمسّک بحبل آل الرسول تا چه حد در مقنعه اثر گذاشته است، به کار رفتن تعبیر آل الرسول و آل محمّد در پاره ای از عبارات مقنعه [۶۵] می تواند نشانی از این تأثیر باشد بویژه تعبیر آل الرسول که ابن ابی عقیل آن را مکرّر به کار برده [۶۶] و از آن در نام کتابش نیز بهره گرفته است.

شیخ مفید علاوه بر ابن قولویه از فقهای دیگر چون شیخ صدوق (م۳۸۱) و محمّد بن احمد بن داود (م۳۶۸) نیز روایت می کند، ولی معلوم نیست نزد آنها فقه آموخته باشد.

فقیه دیگری که از اساتید شیخ مفید می باشد محمّد بن احمد بن جنید اسکافی مؤلّف دو کتاب مهم تهذیب الشیعة والمختصر الأحمدی للفقه المحمّدی می باشد، ابن جنید متکلّم برجسته و پر اثر ـ که به همراه ابن ابی عقیل با لقب قدیمین خوانده می شوند ـ چون همتایش دارای استقلال رأی بوده است، ولی گرایش وی به قیاس [۶۷] و آراء خاصّ دیگرش شاگرد او را بر علیه او شورانده است؛ شیخ مفید شدیداً بر وی حمله کرده [۶۸] و دو عنوان کتاب بر ضدّش تألیف می کند، [۶۹] در نتیجه وی نمی تواند نقش مهمّی در شکل گیری

۶۵ـ به طور نمونه مقنعه، ص۲۲۸، ۲۴۰، ۲۴۵، ۳۴۶، ۳۶۲.

۶۶ـ رسالتان مجموعتان من فتاوی العلمین، ص ۳۱، ۵۰، ۶۲، ۶۷، ۶۸، ۸۰، ۸۴، ۱۰۷، ۱۱۳، ۱۲۲، ۱۲۹، ۱۳۱، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۶۲، ۱۶۴، ۱۶۶، ۱۶۸ و نیز ر.ک: ص۲۳، ۱۲۳.

۶۷ـ فهرست شیخ طوسی، رقم ۵۹۰؛ رجال نجاشی، رقم ۱۰۴۷.

۶۸ـ المسائل الصاغانیة، ص۱۷ـ۲۲.

۶۹ـ یکی به نام «[نقض] رسالة الجنیدی الی اهل مصر» و دیگری با نام «النقض علی ابن الجنید فی اجتهاد الرأی» که اتحاد آن دو محتمل است. رجال نجاشی رقم ۱۰۶۷.

فقه شیخ مفید داشته باشد. به هر حال ممکن است مقنعه یک اثر کاملاً ابتکاری باشد که البته از تأثیر آثار متقدّم بویژه آثار ابن قولویه و نیز کتاب ابن ابی عقیل و آثار صدوق نباید بر کنار باشد.

تنها اثر قابل توجّه در اینجا رساله ای بوده است منسوب به امام هادی(ع) به نام: المقنعة فی ابواب الشریعة که رجاء بن یحیی عبرتایی آن را روایت می کند. [۷۰] با توجه به عدم امکان دستیابی به این کتاب، ارتباط مقنعه مفید با آن قابل بررسی نیست. همچنین با فقدان اکثر آثار متقدم بر مقنعه مفید، بیش از این نمی توان در این باره سخن گفت.

نمایاندن جایگاه مقنعه در میان آثار موجود متقدم و متأخر فقهی بویژه دو کتاب مقنع صدوق و نهایه شیخ طوسی در عهده بخش بعدی قرار دارد.

جایگاه مقنعه در میان متون فقهی موجود

۱ـ از آثار فقهی پیش از عصر مفید تنها کتاب مقنع صدوق دربر گیرنده تمام ابواب فقه بوده و نسخه آن اکنون در دست می باشد. پس از شیخ مفید ـ حتّی از سیّد مرتضی ـ یک متن کامل فقهی به سبک مقنعه سراغ نداریم. البته کتاب انتصار در برگیرنده تمام ابواب فقه می باشد ولی نه در تمامی مسائل، بلکه فقط در مسائلی که امامیه بدان منفرد بوده و یا گمان انفرادشان در کار بوده است. جمل العلم والعمل سیّد مرتضی نیز با وجود مشابهت هایش با مقنعه یک دوره کامل فقهی نیست. پس از سیّد مرتضی نهایهٔ شیخ طوسی با سبک و سیاق مقنعه در تمام ابواب فقه تألیف شده است. وجود مشابهت بین

۷۰ـ رجال نجاشی، رقم ۴۳۹.

مقنع و مقنعه و نهایة ما را بر آن داشت که در این بخش محور بحث را، این سه کتاب قرار داده، جایگاه مقنعه را در این میان بازشناسیم. در ضمن بحث به صورت اشاره به سایر کتابها نیز خواهیم پرداخت.

۲ـ این سه کتاب به یک معنی فقه منصوص بوده و فقه تفریعی به حساب نمی آیند، هر چند در مقنعه و نهایه در حد محدودی مسائل تفریعی دیده می شود، ولی قالب کلی این دو کتاب نیز همان فقه روایی است. در هر سه کتاب، ابواب عبادات در آغاز و ابواب معاملات و احکام در پایان قرار گرفته، در شیوه تنظیم بابها شباهت فراوانی بین آنها دیده می شود ولی این سه کتاب هر یک دارای سبک و اسلوب مختص به خود می باشد. و این سخن که مفید مقنعه را به پیروی از مقنع صدوق نگاشت درست نمی نماید.

۳ـ مقنع صدوق را می توان یک متن حدیثی فقهی تمام عیار دانست که فتاوی در آن به عین الفاظ روایات یا نقل به معنای آن و گاه با نقل خود روایت صورت می گیرد، عبارات صدوق در مقدّمه کتاب نیز به این امر اشارت دارد.[۷۱] از این رو عبارات مقنع در کتب حدیثی بسان روایت نقل می شود، البته صدوق در این کتاب تغییرات کمی در متن روایات چون: تبدیل صیغه غائب به مخاطب، یکنواخت کردن تعابیر، تنظیم و ترتیب آنها و مانند آن انجام داده که از محدوده نقل به معنی، فراتر نمی رود، در مقنع بحثهای غیر فقهی چون ثواب

۷۱ـ عبارت مقدّمه مقنع پس از خطبه کتاب چنین است: قال محمّد بن علی: ثم انّی صنّفت کتابی هذا و سمّیته کتاب المقنع لقنوع من یقرئه بما فیه، و حذفت الاسناد منه لئلاً یثقل حمله و لا یصعب حفظه، و لا یملّه قاریه اذ کان ما أبیّنه فیه فی الکتب الاصولیة موجوداً مبیّناً علی المشائخ العلماء الفقهاء الثقات.

برخی از کارهای مستحبی (ص۹۴) نیز دیده می شود.

در مقنعه، فقه از دائره الفاظ حدیث فراتر رفته هر چند بیشتر مسائل طرح شده از روایات برگرفته شده، ولی تمامی عبارات، الفاظ احادیث نیست و تفریعات در آن در حدّ محدودی راه یافته است. این کتاب در واقع مجموعه ای است از فتاوای فقهی و استدلالات کوتاه آن و فقه القرآن و روایات فقهی و دعاء و زیارات و تاریخ ولادت و وفات امامان معصوم، و در این کتاب فقه به معنای کنونیش از سایر گونه های معارف دینی تمایز کامل نیافته است.

شیخ طوسی معارف گوناگون طرح شده در مقنعه را تفکیک کرده هر دسته را به کتاب خاصی انتقال داده و کتاب نهایه را تنها در فتاوی تألیف کرده است وصف یا عنوان این کتاب [۷۲] در فهرست شیخ نیز بر این معنی ناظر است: النهایة في مجرّد الفقه والفتاوی.

۴ـ مقنع صدوق از ترتیب چندان جالبی برخوردار نیست و باب بندی آن اندک بوده و بویژه در بابهای غیر عبادات تنها به عناوین کلی مانند باب الوصایا اکتفا شده و باب بندی ریزتری انجام نگرفته است، تعابیر روایات گاه بخوبی از قالب حدیثی خود خارج نشده و در نتیجه تعبیرات نامطلوبی در کتاب دیده می شود. [۷۳]

۷۲ـ عبارت (فی مجرد الفقه و الفتاوی) پس از ذکر نهایه در فهرست شیخ رقم۶۹۹ می تواند به عنوان تفسیر نام کتاب بوده مانند کتاب المفصح فی الإمامة، کتاب المبسوط فی الفقه. بنابراین نام کتاب نهایه خواهد بود، و محتمل است این عبارت جزئی از نام کتاب باشد ولی احتمال نخست نزدیکتر می نماید.

۷۳ـ مثلاً در مقنع، ص۱۶۴ می خوانیم: فان اوصی بربع ماله فهو احبّ اِلیّ من ان یوصی بالثلث، ←

مقنعه از نظر ترتیب در مجموع بهتر و با اشتمال بر باب بندی منظمتر و جزئی تر، نظم و انسجام بهتری به خود گرفته است، ولی این کتاب هنوز ترتیب و تبویب چندان منطقی نیافته است، در آن عبارتهای مکرّر و طولانی دیده می شود.

شیخ طوسی با تألیف نهایه با به کارگیری الفاظ کوتاه و پخته و با ترتیب منطقی تر و پرهیز از تکرارهای فراوان، متن منسجم تری را ارائه می دهد. شیخ به همین انگیزه مسائل را در قالبهای کلی تری ریخت. ایجازگویی نهایه باعث شد که این کتاب به نسبت فروع بیشتری که دارد از مقنعه پر برگتر نگردد.

۵ـ تعداد ابواب این سه کتاب و نحوه توزیع آن در ابواب عبادات و غیرعبادات متفاوت است. در مقنع در مجموع ۱۰۱ باب دیده می شود که تنها کمی بیش از یک چهارم آن یعنی ۲۷ باب آن از ابواب غیر عبادی است. مقنعه ۳۵۱ باب دارد که ۷ باب آن به اصول عقائد و ۴۹ باب آن در انساب و زیارات است، در نتیجه بابهای فقهی آن ۲۹۴ باب می باشد که برخی از آنها به فصول فرعی تری نیز انقسام می یابد از این تعداد کمتر از نیمی از آن یعنی ۱۵۱ باب آن به ابواب غیر عبادی اختصاص دارد. کتاب نهایه شیخ ۲۱۴ باب بوده که بیش از نیمی از آن یعنی ۱۲۹ باب آن، در معاملات می باشد. بدین ترتیب بتدریج معاملات در این سه کتاب عنوانهای بیشتری را به خود اختصاص داده

→ این تعبیر قسمتی از روایت از معصوم(ع) بوده و گوینده (فهو احبّ الیّ) امام معصوم است، به کارگیری این عبارت در مقنع بدون تغییر لازم، صحیح نیست. عبارت مقنعه ص۶۶۹ در اینجا مناسب است: الوصیة بالربع عند آل محمد احبّ الیهم من الوصیة بالثلث.

و بابهای بیشتری را شامل می شود.

تفاوتهای این سه کتاب در شیوه و روش و چگونگی بابها و ترتیب آنها و تقسیم بندی کلی فقه و ابواب آن بسیار است که پرداختن به تمام جزئیات آن سخن را به درازا می کشاند.

بدین ترتیب می توان مقنعه مفید را در تکامل مقنع صدوق در نگارش فقه روایی دانست. این سیر تکاملی با تألیف کتاب نهایه به پایان می رسد.

۶ـ بخش فقهی جمل العلم والعمل سیّد مرتضی در این میان هر چند یک دوره کامل فقه نیست، ولی در همان سبک فقه روایی با استقلال بیشتری از حدیث تألیف شده است. نظم و ترتیب این کتاب از مقنعه بهتر می نماید و البته جا پای مقنعه در زوایای مختلف این کتاب به چشم می خورد، میزان فروع جمل العلم والعمل هرگز در حد نهایه شیخ نیست. تلاش شیخ طوسی در پیشبرد فقه با تألیف نهایه به فرجام نرسید، وی با تألیف آثار موجز و استوار به پختگی بیشتر فقه یاری رسانید، نمونه یک متن منقّح و موجز و در عین حال گویا و با ترتیبی منسجم و تقسیم بندی منطقی و استفاده از ارقام و به اصطلاح با بهره گیری از روش کلاسیک، جمل العقود شیخ طوسی است، شیخ به جز تألیف کتاب مسائل الخلاف در فقه تطبیقی، با تألیف مبسوط فقه شیعی را با تفریعات فراوان آشنا ساخت، وی در این کتاب با اخذ عناصر زنده و مسائل بسیاری از فقه اهل سنّت و استخراج حکم آنها از منابع اصیل قرآن و عترت، بدون استفاده از قیاس و استحسان، توانایی مصادر فقه شیعه را در استنباط احکام به اثبات رساند. عناصر جدید در مبسوط گاه بخوبی حل نشده و در نتیجه در این کتاب به نوعی آشفتگی بر می خوریم، این آشفتگی در تألیف

جاودان محقق حلی، شرایع الأحکام حل شده،[۷۴] محقق پس از تألیف شرایع گزیده ای از آن را به نام مختصر نافع تألیف کرد که در پیراستگی و انسجام و پختگی در میان متون فقهی بی مانند است.

به هر حال بررسی کامل سیر فقه پس از مقنعه مفید در این مختصر نمی گنجد. تنها در اینجا اشاره می کنیم که آثار متأخّر از مقنعه چون آثار مرتضی و مفید و مراسم سلاّر و مهذّب و شرح جمل ابن برّاج هیچ یک از تأثیر این کتاب به گونه مستقیم یا غیرمستقیم بر کنارنبوده اند، تنها اثر کاملاً مستقل در این دوره کتاب کافی ابوالصلاح حلبی است.

۷- برخی تحولات تدریجی در متون فقهی این دوره دیده می شود که شایان تأمل است. در مقنع ذکر اختلاف فتاوی اصلاً دیده نمی شود و تنها گاه روایات متعارضی ذکر شده و چگونگی برخورد با آنها بیان گردیده است. در مقنعه ذکر اختلاف اقوال در حدّ کمی دیده می شود، فتاوی همگی به صورت جازم و جز در موارد کاملاً نادر، از احتیاط خبری نیست. ذکر احتیاط در نهایه بسیار بیشتر می گردد.[۷۵] و نقل اختلاف آراء افزون می شود، ولی در هیچ یک از این کتابها به صراحت نام دانشمندان گذشته برده نشده و نظرات ویژه آنها طرح نشده است. محقّق حلّی در آثار خود به صراحت نام دانشمندان گذشته را برده و به آراء خاصّ آنها اشاره می کند، وی از تعابیر غیر جزمی متنوّعی چون اقوی، اشبه، احوط، اظهر، بسیار بهره گرفته و به نقل اقوال علما با تصریح به نام آنها می پردازد، بدین ترتیب فقه بتدریج از چهره کاملاً جزمی خود در مقنع،

۷۴- ببینید زمین در فقه اسلامی، ج ۱، ص ۶۲.

۷۵- مثلاً ببینید النهایة و نکتها، ج ۱، ص ۲۰۴، ۲۴۲، ۲۴۷، ۲۷۹، ۲۸۲، ۲۸۶، ۲۹۲، ۲۹۳.

به چهرهٔ توأم با تردید و احتیاط در کتب محقق حلّی رسیده است.

البته از نظر نباید دور داشت که اختلاف نظر علما در اعصار متقدم بر محقق حلّی نیز هر چند در سطح محدودتر وجود داشته، ولی در آثاری چون مقنع و مقنعه این اختلافات نقل نمی شده است. علّت این امر بخصوص در مورد شیخ مفید می تواند از عدم اعتماد وی بر دلائل ظنّی و التزام او به قطع و یقین در احکام شرعی سرچشمه گرفته باشد.

۸ـ در اینجا تذکّر یک نکتهٔ مهم ضروری است و آن اینکه با وجود گرایشهای حدیثی شیخ صدوق و تفکرات کلامی شیخ مفید، تفاوت فتاوی فقهی آنها زیاد نیست و اصولاً در این دو کتاب به دو گونه فتاوی بر نمی خوریم، فتاوی شیخ صدوق اگر از فتاوی سیّد مرتضی به فتاوی شیخ مفید نزدیکتر نباشد دورتر نیست، با وجود اینکه سیّد مرتضی نیز بسان شیخ مفید متکلّمی برجسته و با گرایشهای عقلی محض می باشد، گویا اختلافات روش شیخ صدوق و شیخ مفید بیشتر در زمینه معارف عقلی و مباحث کلامی و عقیدتی که متکلّمان در آن بیشتر به عقل و اندیشه تکیه می ورزند تا روایات، عرصه جولان یافته است، ولی تکیه گاه متکلّمان و اهل حدیث در فقه، آیات و احادیث است که در نحوهٔ گزینش روایات نیز تفاوت چندانی بین دو روش به چشم نمی خورد.

بدین ترتیب در تقسیم بندی ادوار فقهی نمی توان گرایش کلامی مؤلّفان را مبناقرارداد.

۹ـ در پایان این بخش متذکّر می شویم که مقنعه در عصر خود از احترام و اعتبار بسیار برخوردار بود، امری که شیخ طوسی را در حیات شیخ مفید به

نگارش شرحی بر مبنای آن وا داشت، ولی با تألیف نهایه، این کتاب محور تدریس فقه قرار گرفت در حالی که کتاب مقنعه هنوز در برخی موارد تدریس می شد.

سیّد محیی الدین بن زهره آن را از چند طریق از مفید نقل می کند در یکی از آنها شیخ طوسی و ابویعلی جعفری و شیخ ابو [عبداللّه] جعفر دوریستی راوی از مفید می باشند، سیّد محیی الدین بن زهره مجلّد اول و بیشتر مجلد ثانی از رساله مقنعه را در سال ۵۸۴ در حالی که هنوز به سن بیست سالگی نرسیده بود در نزد عمویش سیّد ابوالمکارم حمزة بن زهره صاحب کتاب غنیه که هفتاد و چند سال داشت آموخت. ابن زهره ـ و نیز محمّد بن جعفر مشهدی ـ تمام آن را پیش از بیست سالگی در نزد ابومنصور محمّد بن حسن بن منصور نقّاش موصلی که سن زیادی داشت خوانده بود، وی نیز آن را در اوائل عمر خود در نزد شریف نقیب ابوالوفاء محمّدی موصلی که عمر زیادی داشت در موصل آموخت و او نیز آن را در اول عمر خود در نزد مفید خوانده بود.[۷۶] از این نقل بر می آید که مقنعه لااقل در دو جلد بوده است.

مقنعه و تهذیب الأحکام

شیخ طوسی در پاسخ درخواست یکی از دوستانش در مورد اخبار متعارض و لزوم برخورد منطقی با آن به تألیف تهذیب الأحکام بر مبنای کتاب مقنعه و با انگیزه کلامی همّت گماشت.[۷۷] وی در آغاز بر آن بود که از

۷۶ـ بحارالأنوار، ج۱۰۷، ص۱۵۵.

۷۷ـ تهذیب الأحکام، ج۱، ص۲.

قسمت فقهی مقنعه شروع کرده و هر مسئله را طرح نموده و براهین و استدلالهای کامل را در مورد آن ذکر و اشکالات را پاسخ گوید و جمله ای از روایات عامه را نیز آورده و در مورد روایات متعارض در اخبار شیعی و شیوه سازگار سازی آنها با هم سخن گوید. این روش هر چند تمامی اخبار فقهی را در بر نمی گرفته است، ولی شیخ، تصمیم داشته که پس از شرح مقنعه به تألیف کتاب دیگری بپردازد که تمامی یا اکثر روایات شیعی را در بر گیرد.

بدین ترتیب تهذیب الأحکام در آغاز تنها شرح مقنعه ولی به صورت کامل بوده، و در اکثر کتاب طهارة از این روش پیروی نموده است، ولی این شیوه، کتاب را بسیار مبسوط نموده و آن را از غرض اصلیش که ذکر اخبار ناسازگار و کوشش در راه توافق آفریدن بین آنها بوده دور می ساخت، و کتاب در بر گیرنده تمامی روایات فقهی نیز نمی شد، از سوی دیگر شیخ ناچار بوده است که برای تمامی فروع مذکور در مقنعه دلیلی ذکر کند که در پاره ای موارد دلیل آن روایت خاص نبوده، بلکه گفتار مشایخ و عمل طایفه مبنای فتوا بوده است[۷۸].

بنابراین، کتاب از صورت کتاب حدیثی خارج می شده است. از این رو شیخ از این روش عدول نموده، تنها به ذکر روایات ولی به نحو کامل می پردازد.[۷۹] بدین ترتیب کتاب دیگری که شیخ در ابتدا در نظر داشته تألیف کند در ضمن همین کتاب تهذیب نگاشته شده است.

۷۸ـ تهذیب، ج۱، ص۲۹۰ـ۲۹۴.

۷۹ـ تهذیب، ج۱۰؛ مشیخه، ص۴.

شیخ پس از تغییر روش خود، در بابهای نخستین، روایاتی را که در شرح مقنعه نیاورده، در ابواب زیادات ذکر کرده است. طبعاً این ابواب، غیر از بابهای زیاداتی است که در اصل مقنعه وجود داشته است.

تغییر روش تألیف تهذیب سبب گردیده که کتاب طهارت که در زمان حیات شیخ مفید تألیف شده و بیشتر آن با روش نخست نگاشته شده، نسبت به سایر کتابها از حجم بیشتری برخوردار گردد و حدود یک هشتم کلّ تهذیب را شامل شود، در حالی که همین کتاب در مقنعه حدود یک شانزدهم کلّ کتاب یعنی نصف مقدار آن را در تهذیب تشکیل می دهد.

در شیوه دوم، شیخ طوسی مقیّد به ذکر تمام مسائل مقنعه نبوده و از این رو در بسیاری از موارد تنها از ترتیب مقنعه پیروی شده است. وی خود در پاره ای موارد بویژه در کتاب حج، مسائل بسیاری را عنوان کرده و روایات مربوط بدان را ذکر نموده است.

هدف شیخ طوسی در نگارش تهذیب سبب گردیده که وی تنها به نقل فتاوی مفید نظر داشته و استدلالهای مفید را ذکر نکند و تنها گاه به اختصار و احیاناً با تصرّفاتی که لازم می دانسته استدلالات وی را بدون نسبت دادن به وی ذکر کند.[80]

روایات فراوان مذکور در مقنعه، در تهذیب با سند کامل و به طور مشروح آمده ولی نه به گونهٔ شرح عبارات مقنعه.

شیخ طوسی درباره دعاها و تسبیحات و مانند آن نیز در بسیاری از موارد به وجود آن در مقنعه اکتفا کرده، خود بابی در این مورد نمی گشاید. برخی از

۸۰ـ مثلاً ببینید تهذیب، ج۳، ص۹۰، ۱۱۳ و مقایسه کنید با مقنعه، ص۲۵۲، ۲۶۹.

بابهای غیر روایی مقنعه نیز چون دو باب آخر مواریث، و ذکر اختلافات اقوال در مورد جزیه و بیان مذاهب مختلف کفّار و مانند آن در تهذیب حذف گردیده است.[۸۱] با توجه به این امور، تهذیب را می توان در مجموع، شرح آزاد بر خصوص فتاوی مقنعه دانست. البته این امر در مورد اکثر کتابهای تهذیب صادق است، ولی چند کتاب تهذیب و پاره ای از بابهای دیگر آن وضعی کاملاً متفاوت دارند.[۸۲]

در کتاب انساب و زیارات بابهای جدیدی چون باب تحریم مدینه، باب فضل کوفه، باب فضل الغسل للزّیارة، باب وداع الشهداء، باب وداع العباس، باب حدّ حرم الحسین گشوده شده، کتاب جهاد و سیره امام از جلد ششم تهذیب تا پایان این جلد کاملاً از شرح مقنعه دور افتاده است. ترتیب کتابها در جلدهای بعدی نیز تفاوت می یابد و در بسیاری موارد عبارت مقنعه اصلاً ذکر نمی گردد، ولی ترتیب بابها در بیشتر موارد محفوظ بوده، و تفاوتها جزئی است.

بنابراین تهذیب تنها شرحی بر مقنعه نیست و خود از جنبه های استقلالی فراوان برخوردار است ولی چهره کلّی آن همان شرح مقنعه است بویژه در جلد نخست که کاملاً شرح مقنعه می باشد.

با عنایت به این نکته، تهذیب ـ بخصوص جلد اول ـ آن می توانست منبع خوبی برای تصحیح کتاب مقنعه قرار گیرد که متأسفانه بدان توجه نشده

۸۱ـ وی در این مورد می گوید: فلیس بنا حاجة الی شرحها اذ الغرض بهذا الکتاب غیر شرح ما یجری مجراه، تهذیب، ج۴، ص۱۱۴.

۸۲ـ مثل باب صلاة الخوف و صلاة المطارده در جلد سوم تهذیب.

است.

در اینجا ما در صدد بحث از چاپهای مختلف مقنعه و بررسی چاپ جدید آن توسّط انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم نیستیم، تنها اشاره می کنیم در این تصحیح جدید مبنا قرار دادن اکثریّت نسخ ـ آن هم اکثریّت در تعداد و نه در اعتبار و ارزش ـ به جای نسخهٔ صحیحتر، سبب شده که عبارتهای صحیح بسیاری در حاشیه قرار گیرد و ناهماهنگی فراوانی در عبارات متن به وجود آید.

در پایان این مقال مناسب است به چند نکته پراکنده در مقنعه که حائز اهمیّت بوده بپردازیم.

نکاتی چند در مقنعه

۱ـ در باب نفاس مقنعه ص۵۷ این عبارات را می خوانیم «و اکثر ایّام النفاس ثمانية عشر يوماً و قد جائت اخبار معتمدة بانّ انقضاء مدّة النفاس مدّة الحيض و هو عشرة ايّام و عليه اعمل لوضوحه عندي».

صدر و ذیل این عبارت با هم ناسازگار می نماید، چه اگر مفید اکثر حد نفاس را ده روز می داند چرا در آغاز به شکل فتوا اکثر حد نفاس را ۱۸ روز ذکر کرده است؟ مانند این ناسازگاری در کتاب نکاح مقنعه ص۵۲۲ در همین مسئله دیده می شود.

نظیر این اشکال در برخی از کتابهای محقق و علاّمه نیز دیده می شود، در آنجا محقّق تستری در مقدّمه مقابس الأنوار به طرح و حل اشکال پرداخته می گوید: محقّق و علاّمه نخست فتاوی شیخ طوسی را بدون نسبت دادن به

او ذکر می کنند، سپس عبارتی را که بر تردّد یا مخالفت با آن فتوا دلالت دارد، می آورند. در نتیجه گمان تنافی می رود ولی راه حل همانی است که گفته شد.[۸۳]

این راه حل بیانگر این واقعیّت است که فتاوی شیخ طوسی نمایندهٔ فقه رسمی شیعه به شمار می رفته و نیازی به نسبت دادن آنها به شیخ نبوده است. بنابراین متن اصلی فقه شیعه را نظرات شیخ طوسی تشکیل می داده و نظرات محقّق و علاّمه تنها به عنوان حاشیه مطرح بوده است.

همچنین نظیر این مشکل در کتاب مبسوط شیخ نیز دیده می شود. منشأ این امر در کتاب مبسوط، ظاهراً آن است که فروع مبسوط در اصل از کتابهای عامّه برگرفته شده، و این عناصر تازه بخوبی در این کتاب جا نیفتاده و در نتیجه برخی از عبارات متناقض نما گردیده اند.[۸۴]

اما علّت این امر در کتاب مقنعه چیست؟ آیا می توان نظیر راه حل کتب علاّمه و محقّق و مبسوط را در اینجا طرح کرده بگوییم: مقنعه در اصل از کتاب دیگری گرفته شده است؟ در صورت درستی این احتمال آن کتاب کدام است؟

ولی با توجّه به نامشخّص بودن کتابی که مقنعه بنابراین احتمال، بر پایه آن قرار دارد و با عنایت به اینکه مشکل تا آنجا که جستجو شد، تنها دربارهٔ مسئله حدّاکثر حدّ نفاس وجود دارد، می بایست برای این مشکل راه حل دیگری جستجو کرد.

به نظر می رسد که فتوای مفید نخست همان هیجده روز بوده، سپس وی از این نظر بازگشته و چون نخواسته در عبارت اصلی تصرّفی کند نظر نهایی

۸۳ـ مقابس الأنوار، ص۵.

۸۴ـ زمین در فقه اسلامی، ج۱، ص۵۹.

خود را به این صورت در هر دو جا به متن کتاب افزوده است، بلکه حتّی محتمل است این نظریّه در حاشیه نوشته شده و بعداً داخل متن شده باشد. تشویش بسیار عبارت نسخه موجود مقنعه در باب طهارة و پس و پیش شدن عبارات آنها ـ چنانچه از تهذیب بر می آید [۸۵] ـ این احتمال را تقویت می کند.

۲ـ شیخ مفید در مقنعه روایات را به صورت مرسل ذکر می کند. وی تنها به نام معصوم و گاه همراه با نام راوی آخر اکتفا می کند. در این موارد گاه اختلالاتی نیز مشاهده می شود از جمله در ص ۲۶۰: قال قلت لأبی جعفر(ع) و ص ۲۶۱: قال سألت اباالحسن(ع)، ضمیر در این دو سند ممکن است به عبدالکریم بن عتبه هاشمی بازگردانیده شود، ولی با مراجعه به تهذیب ج۴، ص۱۰۳ـ۱۰۴ روشن می شود که مرجع ضمیر، راویِ روایت می باشد که در سند نخست، ابوبصیر و در سند دوم، عبدالرحمان بن الحجاج می باشد. نظیر این اشکال در ص۲۶۳ و ۲۶۸ نیز دیده می شود. در نتیجه در بهره گیری از احادیث مقنعه باید دقّت نمود و از اینگونه اختلالات غفلت نورزید و حتماً به سایر مصادر حدیثی هم مراجعه کرد.

۳ـ از لابلای مقنعه برخی از آراء اصولی مفید نیز به دست می آید. ما در اینجا تنها به ذکر سه نمونه اکتفا نموده، عین عبارت وی را نیز نقل می کنیم:

أـ مفید در اخبار متعارض، قائل به لزوم ترجیح به وسیله مرجّحات نیست وی روایتی را که هم شهرت روایی و هم شهرت فتوایی دارد بر روایت مقابل به گونه لزومی ترجیح نمی دهد، بلکه ترجیح را مستحب می داند. عبارت مفید چنین است:

۸۵ـ تهذیب، ج۱، ص۱۷۴.

و قد روی حدیث في جواز التّطوع في السفر بالصیام و جاءت اخبار بكراهية ذلک و اَنّه ليس من البرّ الصوم في السفر و هي اكثر و عليها العمل عند فقهاء العصابة فمن اخذ بالحديث لم يأثم اذا كان اخذه من جهة الاتّباع و من عمل على اكثر الروايات و اعتمد على المشهور منها في اجتناب الصيام في السفر على كل وجه ـ سوى ما عددّناه ـ كان اولى بالحق و اللّه الموفق للصواب.[۸۶]

ب ـ شیخ مفید در بحث استخارات پس از ذکر نماز و دعاء استخاره، از استخاره ذات الرقاع یاد کرده می گوید: قال الشيخ: و هذه الرواية شاذة، ليست كالّذي تقدّم، لكنّا اوردناها للرخصة دون تحقيق العمل بها.[۸۷]

گویا عبارت مفید ناظر به تسامح در ادلّه مستحبات است و چون مسئله استخاره ـ با کمی تسامح ـ داخل در باب مستحبات است. از روایات «من بلغ» می توان جواز استخاره ذات الرقاع را نیز استفاده کرد.

ج ـ مفید با عرضه کردن روایات بر قرآن، آنها را نقد و بررسی می کند و با توجه به کتاب خدا، روایات ناسازگار با آن را رد می کند. وی در باب «الوصيّة للوارث» پس از ذکر آیه ای از قرآن بر صحّت این گونه وصیت، می نویسد: و قد روى عن النبى صلّى اللّه عليه وآله اَنّه قال: لاوصيّة لوارث و هذا حديث باطل مصنوع، لم يثبت، عند نقّاد الأثر، و كتاب اللّه اولى من الحديث و الحكم به على الأخبار اولى من الحكم بالأخبار عليه.[۸۸]

۸۶ـ مقنعه، ص ۳۵۰.

۸۷ـ مقنعه، ص ۲۱۹.

۸۸ـ مقنعه، ص ۶۷۰.

د ـ پایان کتاب مقنعه بابی است با این عنوان: باب مختصر رسوم کتب الوصایا و الوقوف و العتق و التدبیر و المکاتبه و الخلع و الطلاق و الدیون و الحقوق و البراءات و الشرکة و الإجارات و المزارعات و المساقاة و الضمانات و الوکالات و المعاملات.

در این باب، مفید درباره هر یک از عناوین فوق، متنی کلی تهیه کرده که در برخی از جاهای آن از کلمه فلان و یا کذا بهره گرفته که می بایست به وسیله استفاده کننده با عبارت مناسب جایگزین شود. وی در ضمن فصل یا فصول دیگری حالات استثنایی و ویژه را تذکر می دهد.

تهیّهٔ این گونه متون که برای سهولت کار مردمان و شبیه فرمهایی است که در ادارات کنونی مرسوم است، نشانگر پیشرفت و گسترش مرجعیّت شیخ مفید است. امری که وی را وا می داشت که به جای پرداختن به صورتهای جزئی به تهیّه متونی کلّی دست یازد. برای نگارنده فرصت دست نداده که درباره سابقه این گونه متون، تحقیق کافی در کتب فقهی مذاهب مختلف انجام دهد، ولی در کتب فقهی شیعی نظیر این متنها را قبل از مقنعه سراغ نداریم.

تنها اشاره می کنیم که در برخی از متون دیوانی متقدم به شبیه این متنها بر می خوریم [۸۹] و در نتیجه این فصل از مقنعه می تواند برگرفته از متنهای رسمی حکومتی بوده و نشانگر نوعی استقلال سیاسی در دائره احکام شرعی تلقّی گردد، تحقیق کامل در این موضوع را به فرصتی دیگر وا می نهیم.

در اینجا بحث از مقنعه را پایان می دهیم. هر چند برخی از بحثهای مهم

۸۹ـ تاریخ قم.

دیگر چون آراء اختصاصی مفید در فقه، باقی ماند که نیازمند تتبّع و جستجوی زیادی است.

